



### معرفی اجمالی امام علی علیه السلام

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام امام اول شیعیان در روز جمعه 13 رجب سال 30 عام الفیل درون خانه کعبه متولد شد (و جز او کسی در تاریخ بشریت چنین امتیازی ندارد) و در صبحدم روز دو شنبه 21 ماه رمضان 40 هجری در کوفه شهید شد. مرقد منورش در نجف و عمر مبارکش 63 سال است. پدر بزرگوارش ابوطالب سرپرست و حامی جان نثار پیامبر و مادرش فاطمه بنت اسد. او به تعبیر مورخین اولین هاشمی است که از دو هاشمی متولد شده است در لیلۃ المبیت با خوابیدن به جای پیامبر و فداکردن خود موجب نجات پیامبر شد و صداقت و تسلیم بینظیرش او را به مقام برادری رسول الله صلی الله علیه و آله ممتاز نمود.

ذو الفقارش لبخند شادی و پیروزی را در لحظات حساس بر لبان پیامبر و یارانش مینشانند. و درایت و تقوای بیانتهاش دوست و دشمن را به ستایش واداشت. پس از پیامبر با اعتراف همگان به حقانیت او مدت 25 سال خانه نشین شد و در 5 سال حکومتش نیز ناکثین و قاسطین و مارقین لحظه‌ای او را به حال خود نگذاشتند.

### مقدمه

امام سجاد علیه السلام فرمود :

«الا و ان ابغض الناس الى الله من یقتدی بسنة امام و لا یقتدی باعماله» (1) .

هشدار که منفورترین مردم نزد پروردگار، کسی است که شیوه امامی را پیروی کند ولی از سیره عملی او پیروی ننماید.

برای «چگونه بودن» نیاز به الگو داریم و نقش الگو در تربیت چنان روشن است که نیازی به بیان و توضیح نیست. آنچه در این الگوگیری و اسوه‌یابی و تاسی به اخلاق اولیاء الهی کارساز است، آشنایی با جزئیات صفات و رفتار آنان، نه کلیات. خوشبختانه در کتب حدیث و سیره، نمونه‌های رفتاری پیامبر و امامان بصورت ریز و جزئی آمده است که آشنایی با آنها بسیار سودمند است و گامی جهت‌خودسازی و تعالی بخشیدن به جامعه است. انسان در دید ژرف‌نگر اسلام، بیابانگردی سرگردان و گمگشته‌ای در تاریکزار زندگی نیست. او کشتی شکسته‌ای شوربخت و نا امید و اسیر موجهای بیم‌زا و هراس‌آفرین نمیباشد.

بلکه موجودی مسؤول است که با مقصد و مقصودی مشخص با زاد و توشه‌ای کامل و راهنمایی درونی و برونی به سفری پرداخته که از صحرای عدم آغاز میشود و تا بار یافتن به لقاء الهی ادامه دارد.

تمامی نیروهای خلقت، انسان را در این سفر صادقانه یاری میکنند و خداوند با لطف بیکران خویش از راههای گوناگون (به هدایت) پرداخته است و بهترین جایگاه جاودانه را در سرای آخرت برای او مهیا کرده است. انسان برای به دست آوردن نیکبختی خویش و سعادت‌مندی جامعه و رضایت‌خداوند باید در طول این سفر چگونه زیستن را بیاموزد و این آموزه‌های را در زندگی خویش بکار بگمارد.

اسلام عزیز برای پاسخگویی بدین سؤال بسیار اساسی دو شیوه را دنبال کرده است :

الف: بیان احکام و دستورهای زندگی از آغاز تا فرجام

ب: ارائه الگوهای تربیتی و نمونه‌های عینی کمال بر اساس همین شیوه دوم در قرآن مجید بارها از پیامبران و دیگر انسانهای والا سخن به میان آمده، و از جنبه‌های الگویی آنان ستایش شده تا دیگران نیز به آنان تاسی بجویند.

در مکتب حیاتبخش تشیع (اسلام راستین) معرفی‌این الگوهای الهی گسترده‌تر است و پیشوایان معصوم که بهترین اسوه‌های و الگوهای زندگیند فرا روی چشمان باز و دل‌های آگاه قرار دارد تا آنانکه مسؤولیت الهی و رسالت انسانی خویش را درک کرده‌اند و تصمیم برای رسیدن به چکادهای فرازمند فضیلت و کمال دارند با درس گرفتن از آنان زیستنی شرافتمندانه که سعادت دنیا و آخرت را تامین میکند در پیش گیرند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، اسوه بشریت‌اند و تبعیت عملی از آنان رهنمون کمالجویان است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود :

«ادب‌نی ربی فاحسن تادیبی» (2)

خداوند مرا تادیب کرده و ادبم را نیکو ساخته است.

ویژگی سیره معصومین در این است که مورد پسند و قبول پروردگار است و با اطمینان میتوان از آن پیروی کرد. اکنون به عنوان نمونه‌ای از دریای مواج و گرانقدر روایات، چهل حدیث از سیره هر يك از معصومین علیهم السلام به پیشگاه امت اسلامی عرضه میشود. امید که همه ما را چراغ راه و رهنوشه سفری باشد برای رسیدن به سعادت دنیا و نیکبختی آخرت.

در این چهل حدیث، از میان انبوه روایات مربوط به سیره امام علی علیه السلام به گزینش پرداخته‌ایم و از آن بوستان باصفا و دل‌انگیز، دسته‌گلی برای شما چیده و ارمغان آورده‌ایم، باشد که مطالعه آن، چشم دلمان را

روشنتر سازد و رفتار ولی الله اعظم، الگوی زیستن ما شود و رشته جانمان به عشق علوی پیوسته‌تر گردد، تا از این راه به آن «مدار حق و عدالت» نزدیکتر شویم.

## فصل اول : همراه با برادر

### 1- پرورده دامن رسول

و قال على عليه السلام: «و قد علمتم موضعی من رسول الله بالقربة القرية و المنزلة الخصیصة، وضعنی فی حجره و انا ولد یضمنی الی صدره، و یکنفنی الی فراشه، و یمسني جسده، و یشمنی عرفه، و کان یمضغ الشیء ثم یلقمنیه، و ما وجد لی کذبة فی قول و لا خطلة فی فعل.»

نهج البلاغه، الخطب : 190

حضرت علی علیه السلام میفرماید :

... شما خود در پیوند با رسول خدا صلی الله علیه و آله، هم بدلیل خویشاوندی و هم به سبب موقعیت ویژه من، جایگاه مرا میشناسید. او مرا از روزگاری که نوزادی بودم در دامن خود مینشانند و بر سینه میچسبانند، در بستر خویش میخوابانند و بدنش را به بدنم میسایید و از عطر دلپذیرش بهره‌مندم میساخت لقمه را میجوید و در دهانم می گذاشت و هرگز در گفتارم دروغی نشنید و در رفتارم لغزش و سبکسری ندید.

### 2- محرم راز

قال علی علیه السلام : «کانت لی من رسول الله صلی الله علیه و آله منزلة لم یکن لا حد من الخلائق انی کنت آتیة کل سحر فاسلم علیه.»

«و فی حدیث- فان کان قائما یصلی سبج بی فکان ذاک اذنه لی و ان لم یکن یصلی اذن لی.»

مسند احمد 1 : 77-85

و عن ابی سعید الخدری قال :

«کانت لعلی من رسول الله صلی الله علیه و آله دخلة لم لا حد الناس.»

### انساب الاشراف 2 : 98 ح 25

حضرت علی علیه السلام فرمود :

موقعیتی که من در محضر پیامبر خدا داشتم برای هیچ کس دیگر نبود. من هر روز سحر محضر ایشان میرفتم، بهنگام ورود سلام میدادم و پیامبر خدا اجازه ورود میدادند و اگر هم مشغول نماز بودند با ذکر بلند تسبیح اجازه خود را اظهار مینمودند.

ابن سعید خدری نیز میگوید :

رفت و آمدی که علی با پیامبر خدا داشت برای هیچ کس دیگر امکان نداشت

### 3- شیوه آموختن

قال علی علیه السلام : «كنت اذا سالت رسول الله صلى الله عليه وآله اعطاني و اذا سكت ابتداني.»

المصنف 6 : 368 ح 32061

حضرت علی علیه السلام فرمود :

هرگاه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سؤال میکردم، خواسته‌ام را پاسخ میداد و اگر من سکوت میکردم او خود پیشگام میشد و از دانش خود بهره‌مندم میساخت.

### 4- قرآن شناس

قال علی علیه السلام : «و الله ما نزلت آية الا و قد علمت فيما نزلت و این نزلت، ان ربی و هب لی قلبا عقولا و لسانا سؤلا.»

انساب الاشراف 2 : 98 ح 27

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود :

بخدا سوگند آیه‌ای از قرآن کریم نازل نشده است مگر اینکه من میدانم در چه موضوعی و در کجا نازل شده است، زیرا پروردگارم به من دلی اندیشمند- ژرف اندیش- و زبانی پرسشگر عنایت کرده است.

### 5- در رکاب نور

عن بريدة الاسلمی قال : «كنا اذا سافرنا مع النبي صلى الله عليه وآله كان علی علیه السلام صاحب متاعه يضمه

اليه فاذا نزلنا يتعاهد متاعه فان راى شيا يرمه رمة، و ان كانت نعل خصفها.»

بحار الانوار 37 : 303

بریده اسلمی گوید :

هرگاه که با پیامبر صلی الله علیه و آله به سفر میرفتیم، علی علیه السلام مسؤول توشه و بار پیامبر بود، آنها را از خودش جدا نمیکرد، و هنگامی که در جایی منزل میکردیم توشه و اثاث پیامبر را واری نمود و اگر نیاز به ترمیم و اصلاح داشت اصلاح میکرد و اگر کفش و نعلین پیامبر نیاز به تعمیر و دوخت داشت آن را انجام میداد.

#### 6- پاسدار پیامبر

قال موسى بن سلمة : سئلت جعفر بن عبد الله بن الحسين عن اسطوان علي بن ابي طالب فقال : «ان هذه المحرس، كان علي بن ابي طالب عليه السلام يجلس في صفحتها التي تلي القبر مما يلي باب رسول الله صلى الله عليه و آله يحرس النبي صلى الله عليه و آله.»

وفاء الوفاء 2 : 448

موسی بن سلمه میگوید :

از جعفر بن عبد الله در مورد یکی از ستونهای مسجد النبی صلی الله علیه و آله که منسوب به حضرت علی علیه السلام است پرسیدم، در پاسخ گفت :

این همان ستون محرس است که حضرت علی بر پای آن از جانب قبر که در منزل پیامبر بوده مینشست و از پیامبر پاسداری مینمود.

#### 7- صداقت و امانت

عن ابي كهمس قال :

قلت لابي عبد الله عليه السلام : عبد الله بن ابي يعفور يقرءك السلام!

قال : عليك و عليه السلام اذا اتيت عبد الله فاقراءة السلام و قل له :

ان جعفر بن محمد يقول لك : «انظر ما بلغ به علي عليه السلام عند رسول الله صلى الله عليه و آله فالزمه فان عليا عليه السلام انما بلغ ما بلغ به عند رسول الله صلى الله عليه و آله بصدق الحديث و اداء الامانة.»

الكافي 2 : 104 ح 5

ابی كهمس گوید :

به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم : عبد الله بن ابي يعفور بر شما درود فرستاد.

حضرت فرمود : بر تو و بر او درود باد، وقتی پیش او رفتی سلام مرا به او برسان و بگو :

جعفر بن محمد میگفت : نيك بنگر هر آن ویژگی که باعث شد تا علی علیه السلام به آن مقام بلند نزد پیامبر خدا

برسد. خود را ملازم آن خصلت نما. و یقین بدان هر مقامی که علی نزد پیامبر یافت تنها و تنها به خاطر راستگویی و امانتداری بود.

## 8- فدایی پیامبر

عن الصادق علیه السلام : «... و الله ما اكل على بن ابي طالب عليه السلام من الدنيا حراما قط حتى مضى لسبيله و ما عرض له امران كلاهما لله رضا الا اخذ باثنيهما عليه في بدنه-دينه-و ما نزلت برسول الله صلى الله عليه و آله نازلة قط الا دعاه ثقة به و ما اطاق احد عمل رسول الله صلى الله عليه و آله من هذه الامة غيره و ان كان ليعمل عمل رجل كان وجهه بين الجنة و النار يرجو ثواب هذه و يخاف عقاب هذه.»

الارشاد : 255

حضرت صادق علیه السلام فرمود :

به خدا سوگند علی بن ابی طالب علیه السلام تا روزی که از این دنیا رفت مال حرامی نخورد و هیچگاه بر سر دو راهی-که هر دو راه مورد خشنودی خدا باشد-قرار نگرفت مگر اینکه پر زحمت‌ترین آنها را برگزید و هر حادثه مهمی که برای پیامبر خدا پیش می‌آمد -به دلیل اعتمادی که به علی داشت- از او کمک می‌گرفت. و در میان این امت هیچ کس نتوانست همانند علی علیه السلام: راه پیامبر را -بی کم و کاست- طی کند و با این همه تلاش و کوشش همواره چون بیمناکان کار میکرد، چشمی به بهشت و چشم دیگر بر آتش داشت، از سویی امیدوار پاداش بهشت و از سوی دیگر هراسناک از کیفر آتش بود.

## فصل دوم : در صحنه سیاست

## 9- پشتیبان مظلومان

و قال عليه السلام : «... لم يكن لاحد في مهمز و لا لقائل في مغمز، الذليل عندی عزيز حتى اخذ الحق له، و القوى عندی ضعيف حتى اخذ الحق منه. رضينا عن الله قضاءه و سلمنا لله امره.»

نهج البلاغة، الخطب : 37

حضرت علی علیه السلام فرمود :

در تمامی زندگی من، نقطه سیاهی نیست تا عیب جویان و اشاره کنندگان با چشم و ابرو و اشاره کنند و سخنی گویند. خوارترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را بستانم و نیرومند نزد من ناتوان است تا حق دیگران را از او بازگیرم. ما با تمام وجود به قضای الهی خشنود و در برابر فرمانش تسلیم هستیم.

#### 10- مبارزه مکتبی

و قال علیه السلام : «اما و الله ان كنت لفي ساقتها حتى تولت بهذا فيرها، ما ضعفت و لا جبنت و ان مسيري هذا لمثلها، فلانقبن الباطل حتى يخرج الحق من جنبه. مالي و لقريش؟ و الله لقد قاتلتهم كافرين و لقاتلتهم مفتونين و اني لصاحبهم بالامس كما انا صاحبهم اليوم.»

نهج البلاغة، الخطب : 33

به خدا سوگند، من همواره در زمره پیشتازان این حرکت بودم تا روزی که جبهه دشمن تار و مار شد و جاهلیت از صحنه بیرون رفت، بی آنکه کمترین ضعف یا ترسی داشته باشم و امروز نیز در همان راستا قدم بر میدارم و تصمیم دارم باطل را بشکافم تا حق از پهلوی آن بیرون آید. مرا با قریش چه کار؟ که دیروز در موضع کفر بودند و با آنان جنگیدم و امروز نیز که گرفتار فتنه و انحراف شده‌اند به پیکارشان خواهم خاست. من همانگونه که دیروز با آنان برخورد کردم امروز نیز همانم.

#### 11- گناه سازش ناپذیری

قالت فاطمة عليها السلام : ... ما الذي نقموا من ابي حسن؟ !

«نقموا -و الله- منه شدة و طاته و نکال وقعته و نکیر سيفه- و قلة مبالاته لحتفه- و تبحره في كتاب الله و تنمره في ذات الله.»

دلائل الامامة : 125، الاحتجاج 1 : 147

حضرت زهرا عليها السلام فرمود :

اینان -کارگردانان سقیفه- چه عیبی از ابو الحسن گرفتند؟ ! که او را برای رهبری جامعه اسلامی صالح ندیدند!- بخدا سوگند عیب او را بر خورده سخت- و بدون مسامحه و سهل انگاری در برابر حق- و مرگبار بودن رویارویی با او و شمشیر بران و بیاعتنایی به مرگ و آگاهی گسترده نسبت به کتاب خدا و گردن فرازی در راه خدا دانسته‌اند.

## 12- بصیرت، چراغ راه

و قال عليه السلام : «الا و ان الشيطان قد جمع حربه و استجلب خيله و رجله، و ان معى لبصيرتى، ما لبست على نفسى و لا لبس على.»

نهج البلاغة، الخطب : 10

حضرت امير المؤمنين عليه السلام فرمود :

آگاه باشید که اينك شيطان هواداران خود را گرد آورده، نيروهاى سواره و پياده اش را فرا خوانده است. در صورتى كه بينش من همواره همراه من بوده و هرگز حقايق را بر خود مشتبه نساخته‌ام و حقيقت نيز بر من مشتبه نشان داده نشده است-نه خود را فریب داده‌ام و نه فریب خورده‌ام-.

## 13- عدالت اجتماعى

و قال عليه السلام : «-لما عوتب على التسوية فى العطاء- اتامرونى ان اطلب النصر بالجور فيمن وليت عليه؟ !و الله ما اطور به ما سمر سمير و ما ام نجم فى السماء نجما، لو كان المال لى لسويت بينهم فكيف و انما المال مال الله.»

نهج البلاغة، الخطب : 124. آنگاه كه حضرت امير عليه السلام بدليل رعايت مساوات در تقسيم بيت المال مورد عتاب قرار گرفت فرمود :

آيا به من امر ميكنيد و اصرار ميورزيد تا پيروزي را به بهاي ستم بر كسانى كه سؤوليت سرپرستى آنها بر دوشم نهاده شده است بدست آورم؟ !

به خدا سوگند كه تا روزگار در گردش است و ستارگان آسمان در پي هم حركت ميكنند، چنين كار ناروايى نخواهم كرد. اگر اين مال ثروت شخصى من بود در تقسيم آن مساوات را رعايت ميكردم، چه رسد به اينكه مال، مال الله است.

## 14- جنگاور بى باک

قال عليه السلام : «... و من العجب بعثهم الى ان ابرز للطعان و ان اصبر للجلاد، هبلتهم الهبول! لقد كنت و ما اهدد بالحرب و لا اهرب بالضرب و انى لعلى يقين من ربي و فى غير شبهة من دينى.»

نهج البلاغة، الخطب : 22

حضرت امير المؤمنين عليه السلام فرمود :

... و از شگفتيهاي زمانه اين است كه-شاميان-به‌من پيام داده‌اند كه خود را براي مقابله با سرنيزه‌ها آماده كنم و

برای ضربه‌های شمشیر شکبیا باشم، مادران گریان بسوگشان بنشینند! تاکنون کسی مرا با دعوت به جنگ تهدید نکرده است و از زخمهای نیزه و شمشیر هراسی نداشتم، چرا که بر یقین به پروردگارم تکیه دادم و دینم را زنگار شبهه نیالوده است.

## 15- شیوه نبرد

«... و عرفوا قتلاه -قتلی علی علیه السلام فی لیلة الهریر- بضرباته التي كانت علی و تیرة واحدة، ان ضرب طولاً قد و ان ضرب عرضاً قط و كانت كانها مکواة.»

ارشاد القلوب : 248

و فی رواية : كانت لعلی علیه السلام : «ضربتان : اذا تطاول قد و اذا تقاصر قط. قالوا : و كانت ضرباته ابکارا اذا اعتلی قد و اذا اعترض قط.»

المناقب 2 : 83

در صبحگاه لیلة الهریر (3) کشته شدگان به دست حضرت امیر علیه السلام را از نحوه ضربت‌های حضرت باز میشناختند، زیرا ضربت‌ها همه یکنواخت بود. اگر شمشیر را از بالا فرود می‌آورد دو نیم میکرد و اگر از پهلو میزد قطع میکرد. و محل ضربه شمشیر گویی با آهن گداخته داغ شده بود. و گفته اند :

همه ضربت‌های علی علیه السلام همین دو نوع بوده وقتی از حریف بلندتر قرار میگرفت از بالا میزد و دو نیم میکرد و هنگامی که برابر بود از پهلو میزد و قطع مینمود و گفته‌اند : بر حریف خود بیش از يك ضربه نمیزد.

## فصل سوم : همگام با مردم

## 16- یاور درماندگان

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : «يا علی ان الله جعلك تحب المساكين و ترضی بهم اتباعا و یرضون بك اماما.»

## کشف الیقین : 310 ح 365

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود :

یا علی، خدای متعال تو را چنین قرار داده که بینوایان را دوست میداری و آنان را به عنوان پیروان خویش بپسندی و آنان هم تو را به پیشوایی و امامت بپسندند.

## 17- پیشتاز عمل

قال علی علیه السلام : «ایها الناس! انی و الله ما احثکم علی طاعة الا و اسبقکم الیها و لا انهاکم عن معصية الا و اتناهی قبلکم عنها.»

## نهج البلاغة، الخطب : 173

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود :

ای مردم! بخدا سوگند من هرگز شما را به هیچ طاعتی فرا نمیخوانم مگر آنکه خود بر شما-در عمل به آن-پیشی میجویم و از هیچ گناهی بازتان نمیدارم و نهی نمیکنم- مگر آنکه پیش از شما، خود را از عمل به آن باز میدارم.

## 18- عظمت در سادگی

دخل ضرار بن ضمرة الكنانی علی معاوية فقال له : صف لی علیا، فقال او تعفینی ... ؟ قال : لا اعفیک، قال : اذ لا بد فانه :

«كان و الله بعيد المدى شديد القوى يقول فصلا و يحكم عدلا ينفجر العلم من جوانبه و تنطق الحكمة من نواحيه يستوحش من الدنيا و زهرتها و يستانس بالليل و ظلمته كان و الله غزير البصيرة طويل الفكرة ... يعجبه من اللباس ما قصر و من الطعام ما جشب كان و الله كاحدنا يدنينا اذا اتيناه و يجيبنا اذا سالناه و كان مع تقربه الينا و قربه منا لا نكلمه هيبة له.»

## حلیة الاولیاء 1 : 84

ضرار بن ضمیره یکی از اصحاب ویژه حضرت امیر علیه السلام :

بر معاویه وارد شد، معاویه گفت : علی را برای من توصیف کن. ضرار با اصرار معاویه لب به سخن گشود و گفت : بخدا سوگند او دست نیافتنی و دور از دسترس و دارای نیروهای پر توان بود. سخنانی روشنگر میگفت و به عدل حکم میراند، از هر سوی او علم میجوشید و از تمامی رفتار او حکمت میتراوید از دنیا و زیورهای آن وحشت داشت و به شب زنده داری و خلوت شب انس میورزید. بخدا سوگند او دارای بصیرتی فراوان و اندیشه هایی بلند بود. لباس کوتاه و طعام خشک و بینان خورش را -که نشانه تواضع و فقر بود- دوست میداشت. بخدا سوگند چونان یکی از خود ما بود، هرگاه نزد او میرفتیم ما را به نزدیک خود فرا میخواند و خواسته های ما را پاسخ میگفت و با این همه مهرورزی و اظهار نزدیکی و یگانگی به دلیل هیبتی که داشت جرات گفتگو با او را

## 19- در بازار

قال زاذان : «انه كان عليه السلام يمشى فى الاسواق وحده و هو ذاك يرشد الضال و يعين الضعيف و يمر بالبائع و البقال فيفتح عليه القران و يقرء : تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علوا فى الارض و لا فسادا و العاقبة للمتقين.» (4)

المناقب 2 : 104

زاذان میگوید :

حضرت امیر المؤمنین به تنهایی در بازار میگشت و گمشده را راهنمایی و ناتوان را کمک میکرد و بهنگام عبور از پیش فروشندگان و کسبه، قرآن کریم را در برابر آنها میگشود و این آیه را برای آنها میخواند «خانه آخرت -سعادت ابدی- را برای کسانی قرار دادیم که قصد سرکشی و فساد در زمین ندارند و عاقبت-نیک-تنها از آن پرهیزکاران است.» .

## 20- بیزاری از ستم

قال عليه السلام : «و الله لو اعطيت الاقاليم السبعة بما تحت افلاكها على ان اعصى الله فى نمة اسلبها جلب شعيرة ما فعلت، و ان دنيكم عندى لاهون من ورقة فى فم جرادة تقضمها، ما لعلى و نعيم يفنى و لذة لا تبقى!» نهج البلاغة، الخطب : 222

حضرت علی علیه السلام فرمود :

بخدا سوگند اگر اقلیمهای هفتگانه زمین را با هر چه در زیر آسمان آنها است به من دهند تا خدا را در حد گرفتن پوست جوی از دهان موری نافرمانی کنم، نخواهم کرد. چرا که این دنیای شما در نزد من از برگ نیم جویده‌ای در دهان ملخی ناچیزتر است. علی را با نعمتهای فناپذیر و لذت‌های گذرا و ناپایدار چه کار!

## 21- الگوی زمامداری

قال على عليه السلام : «الا و ان امامكم قد اكتفى من دنياه بطمريه و من طعمه بقرصيه، ... فو الله ما كنزت من دنياكم تبراً و لا ادخرت من غنائمها و فرا، و لا اعددت لبالي ثوبى طمرا، و لا حزت من ارضها شبرا.» نهج البلاغة، الكتب : 45

حضرت علی علیه السلام فرمود :

بدانید و آگاه باشید که پیشوای شما از دنیای خود به دو پاره تن پوش و از خوردنیهایش به دو قرص نان بسنده کرد ... و خدای را سوگند که از دنیایان نه زری اندوخته‌ام و نه از غنائمش ثروتی انباشته‌ام و حتی برای کهن جامه خود تن پوش دیگری و یا از سرزمین‌های شما يك وجب در اختیار نگرفته‌ام.

## 22- همدری با مردم

و قال علیه السلام : «... هیئات ان یغلبنی هوای و یقودنی جشعی الی تخیر الاطعمة و لعل بالحجاز او الیمامة من لا طمع له فی القرص و لا عهد له بالشعب او ابیت مبطانا و حولی بطون غرثی و اکباد حری.»  
نهج البلاغه، الکتب : 45

حضرت علی علیه السلام فرمود :

هیئات که هو و هوسم بر من چیره شود و شکمبارگی به گزینش طعام‌های لذیذ وادارم نماید، در حالی که چه بسا در یمامه و یا حجاز کسانی باشند که امید دستیابی به قرص نانی نداشته و خاطره‌ای از سیری ندارند و هرگز مباد که من با شکم پر بخوابم در حالی که شاید پیرامون من شکم‌های به پشت چسبیده و جگرهای سوخته باشد.

## فصل چهارم : در صحنه زندگی

## 23- همسان با پیامبر

سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول : «کان امیر المؤمنین علیه السلام اشبه الناس طعمة برسول الله صلی الله علیه و آله کان یاکل الخبز و الخل و الزيت و یطعم الناس الخبز و اللحم.»  
الکافی 6 : 328

حضرت صادق علیه السلام فرمود :

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در نوع غذا شبیه‌ترین افراد به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود. او خود نان

و سرکه و روغن زیتون میخورد و به مردم -مهمانان خود- نان و گوشت میداد.

#### 24- سفره سبز

قال ابو عبدالله : «يا حنان! اما علمت ان امير المؤمنين عليه السلام لم يؤت بطبق الا و عليه بقل؟ قلت : و لم جعلت فداك؟ فقال : لان قلوب المؤمنين خضرة و هي تحن الى اشكالها.»

الكافي 6 : 362

حضرت صادق عليه السلام فرمود :

ای حنان! آیا نشنیده‌ای که برای امیر المؤمنین علیه السلام سفره طعامی آورده نمیشد مگر اینکه سبزی به‌مراه داشت؟

حنان میگوید :

گفتم : چرا چنین بود فدایت‌شوم؟

فرمود : زیرا دل مومنان همواره سر سبز است و به همرنگ خود گرایش دارد.

#### 25- کشاورزی

قال الصادق عليه السلام :

«كان امير المؤمنين صلوات الله عليه يضرب بالمر و يستخرج الارضين.»

الكافي 5 : 74

حضرت صادق علیه السلام فرمود :

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بیل میزد و زمینهای بایر را آماده زراعت مینمود.

#### 26- نخل امید

قال ابو عبد الله عليه السلام :

«ان امير المؤمنين عليه السلام كان يخرج و معه احوال النوى فيقال له : يا ابا الحسن ما هذا معك؟

فيقول : نخل ان شاء الله.

فيغرسه فلم يغادر منه واحدة.»

الكافي 5 : 75

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود :  
گاهی امیر المؤمنین علیه السلام به سوی صحرا میرفت و همراه خود باری از هسته خرما میبرد، به حضرتش گفته میشد : این چیست که به همراه داری؟  
میفرمود : هر دانه از اینها يك نخل است انشاء الله.  
آنگاه میرفت و همه آنها را میکاشت و دانه‌ای از آنها رد نمیخورد.

## 27- ساده زیستی

قال علیه السلام :

«و الله لقد رقت مدرعتی هذه حتی استحييت من راقعها، و لقد قال لی قائل : الا تنبذها عنك؟ فقلت اعزب  
عنی، فعند الصباح یحمد القوم السری.»

نهج البلاغه، الخطب : 158

حضرت علی علیه السلام فرمود :

به خدا سوگند تن پوش خود را چندان وصله کرده‌ام که از وصله کننده‌اش شرم دارم. روزی گوینده‌ای به من گفت :  
آیا زمان دور افکندن آن فرا نرسیده است؟ و من گفتم : دور شو، که بامدادان فردا، شب روان را ستایش کنند.  
پیرهن از رخ وصال خجل کفن از گریه غسال خجل شب روان مست ولای تو علی جان عالم به فدای تو علی  
شهریار

## 28- پرهیز از تکلف

قال الصادق علیه السلام :

«-كان علی علیه السلام- یمشی فی نعل واحدة و یصلح الاخری لا یری بذلك باسا.»

الکافی 6 : 468

حضرت صادق علیه السلام فرمود :

امیر المؤمنین علیه السلام با يك لنگه نعلین راه میرفت و لنگه دیگر را تعمیر میکرد و مانعی در این کار نمیدید.

## 29- بیاد مرگ

و عن علی علیه السلام : «انه کان اذا مر بالقبور قال : السلام علیکم یا اهل الدار فانا بکم لا حقون. ثلاث مرات.»

هرگاه که حضرت علی علیه السلام بر گورستان گذر میکرد سه بار میگفت :  
درود بر شماهایی که در این خانه ساکنید. ما نیز بیگمان به شما خواهیم پیوست.

## فصل پنجم : آینه حق

### 30- فهرست فضائل

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من اراد ان ينظر الى آدم في علمه و الى نوح في تقواه و الى ابراهيم في حلمه و الى موسى في هيئته و الى عيسى في عبادته فلينظر الى علي بن ابي طالب عليهم السلام.»

### ارشاد القلوب : 217

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

هر که میخواهد به آدم و علم او و نوح و تقوای او و ابراهیم و دور اندیشی-بردباری-او و موسی و هیبت او و عیسی و عبادت او بنگرد، به علی بن ابی طالب بنگرد.

### 31- سیمای مردان

و قيل : «كان -علي عليه السلام- كأنما كسر ثم جبر، لا يغير شيبه، خفيف المشي، ضحوك السن.»

### اسد الغابة 4 : 123

میگویند :

علی علیه السلام همانند آن بود که گویی شکسته و مجددا ترمیم شده باشد-چهره‌ای درهم تکیده داشت و یادآور مشکلاتی بود که تحمل نموده و تجربه اندوخته بود-آن حضرت موی سپید خود را رنگ نمیزد، سبکبال و بی تکلف راه میرفت و همواره لبخند بر لب داشت.

### 32- پیمان با فرشتگان

قال الصادق عليه السلام : «ان عليا عليه السلام كان اذا اصبح يقول : مرحبا بكما من ملكين حفيظين املئ عليكما ما تحبان ان شاء الله فلا يزال في التسبيح و التهليل حتى تطلع الشمس و كذلك بعد العصر حتى تغرب الشمس.»

بحار الانوار 84 : 267 ح 38

حضرت صادق عليه السلام فرمود :

حضرت امير المؤمنين عليه السلام هر بامداد-در خطاب به دو فرشته نویسنده اعمال-میفرمود : مرحبا بر شما دو فرشته بزرگوار و یاد داشت کننده اعمال-به خواست خدا امروز نیز-آنچه دوست دارید بر شما املا خواهم کرد، و به دنبال این تعهد به ذکر : «سبحان الله و لا اله الا الله» مشغول میشد تا خورشید طلوع میکرد. و هنگام عصر نیز تا غروب آفتاب، به همان ذکرها میپرداخت.

### 33- نماز، امانت الهی

فی تفسیر القشیری : «انه كان عليه السلام اذا حضره وقت الصلاة تلون و تزلزل فقیل له : مالك؟ فيقول : جاء وقت امانة عرضها الله تعالى على السماوات و الارض و الجبال فابین ان يحملنها و حملها الانسان.» (5)

المناقب 2 : 124

در تفسیر قشیری آمده است :

هرگاه وقت ادای نماز میرسید، رنگ چهره امیر المؤمنين عليه السلام تغییر مییافت و بر خود میلرزید. وقتی به او میگفتند : این چه حالت است؟ میفرمود : هنگام ادای امانتی رسیده است که بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه شد و آنها از حمل آن سرباز زدند و انسان این باز امانت را بر داشت.

### 34- اخلاص در عبادت

قال الصادق عليه السلام : «كان امير المؤمنين عليه السلام اذا توضا لم يدع احدا يصب عليه الماء قال : لا احب ان اشرك في صلاتي احدا.»

علل الشرايع 1 : 323

حضرت صادق عليه السلام فرمود :

حضرت امير المؤمنين عليه السلام : بهنگام وضو گرفتن اجازه نمیداد کسی برایش آب بریزد و میفرمود : دوست ندارم در نمازم به درگاه خدا کسی را شریک قرار دهم.

### 35- بهداشت فردی

قال ابو عبد الله عليه السلام : «كانت لامير المؤمنين عليه السلام خرقة يمسح بها وجهه اذا توجها للصلاة ثم يعلقها على و يد و لا يمسها غيره.»

المحاسن 2 : 207 ح 1618

حضرت صادق عليه السلام فرمود :

حضرت امير المؤمنين عليه السلام را پارچه‌ای-دستمالی-بود که بهنگام وضو صورت خود را با آن خشک میکرد و سپس آن را بر میخی می‌آویخت و جز خود حضرت کسی به آن دست نمیزد.

### 36- نماز خانه

قال الصادق عليه السلام : «كان على عليه السلام قد جعل بيتا في داره ليس بالصغير و لا بالكبير لصلاته و كان اذا كان الليل ذهب معه بصبى ليبيت معه فيصلى فيه.»

المحاسن 2 : 452 ح 2557

حضرت صادق عليه السلام فرمود :

حضرت امير المؤمنين عليه السلام در خانه خود اتاقی را که نه کوچک بود و نه بزرگ، اختصاص به نماز خود داده و هر شب کودکی را برای خوابیدن به‌مراه خود میبرد و در همانجا نمازهایش را میخواند.

### 37- نقش نگین

قال عبد خير : «كان لعلى عليه السلام اربعة خواتيم يتختم بها : ياقوت لنبله، و فيروزج لنصرته، و الحديد الصيني لقوته، و عقيق لحرزه -و كان نقش الياقوت : لا اله الا الله الملك الحق المبين، و نقش الفيروزج : الله الملك الحق، و نقش الحديد الصيني : العزة لله جميعا، و نقش العقيق ثلاثة اسطر : ما شاء الله، لا قوة الا بالله، استغفر الله.»

الخصال : 199

عبد خير میگوید :

علی علیه السلام چهار انگشتر داشتند که به دست میکردند : یاقوتی برای نجابت و بزرگی-فرزانگی-و فیروزه برای پیروزی و حدید چینی برای نیرومندی و عقیق را نیز برای محافظت. نقش نگین یاقوت : «لا اله الا الله الملك الحق

المبين» و نقش فیروزه : «الله الملك الحق» و نقش حدید : «العزة لله جميعا» و در نگین عقیق سه سطر نقش بسته بود : «ماشاء الله لا قوة الا بالله استغفر الله»

### 38- در پناه نماز

قال ابو عبد الله عليه السلام : «كان على عليه السلام اذا هاله شيء فزع الى الصلاة. ثم تلا هذه الآية : و استعينوا بالصبر و الصلاة ...» (6)

الكافي 3 : 480

حضرت صادق عليه السلام فرمود :

هرگاه حضرت امیر از موضوعی نگران و هراسناک میشد به نماز پناه میبرد. سپس حضرت صادق علیه السلام این آیه را خواند : «از شکیبایی و نماز یاری بجوید ... » .

### 39- هزار رکعت

قال ابو عبد الله عليه السلام : «... ان عليا عليه السلام في آخر عمره كان يصلي في كل يوم و ليلة الف ركعة.»

الكافي 4 : 154

حضرت صادق عليه السلام فرمود :

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در آخر عمر خود شبانه روز هزار رکعت نماز میخواند.

### 40- جوینده رضای حق

عن ابن عباس : «كان على عليه السلام يتبع في جميع امره مرضاة الله و لذلك سمى المرتضى.»

المناقب 3 : 110

ابن عباس میگوید : علی علیه السلام در تمامی کارهای خود همواره در پی رضایت الهی بود و به همین جهت «مرتضی» نامیده شد.

پی نوشت ها :

1- الکافی، 8 : 234، ح 312.

2- میزان الحکمه، ج 1 ص 78.

3- یکی از حمله‌های نبرد صفین که حدود 24 ساعت درگیری ادامه داشت، و شب آن واقعه، لیلۃ الہریر نام گرفته است.

4- القصص/83.

5- الاحزاب/72.

6- البقره/42.